

ترکیه در یک دهه پیش راهبر د مشهور به «تنش صفر» با همسایگان را در دستور کار خود قرار داده بود. ارائه‌کننده این راهبرد احمد داوودگلو بود که به مقام وزارت خارجه و حتی نخست‌وزیری ترکیه رسید و پر مبنای راهبرد او، جهت‌گیری ترکیه در سیاست خارجی این بود که در مناسباتش با همسایگان، تنش‌ها را به صفر برساند. حالا این راهبرد طی یک دهه به طور کلی تغییر کرده است. این کشور جز مداخله طولانی‌مدت در سوریه و اشغال بخشی از شمال این کشور در استان ادلب، در قطر پایگاه نظامی زده، با یونان بر سر مخازن گاز شرق مدیترانه و خط لوله گازی موسوم به «ایستمد» دچار تنش شده است. نیروی نظامی به لیبی فرستاده و پایگاه نظامی در این کشور ایجاد کرده و حالا هم خبر رسیده که برای تأسیس یک پایگاه نظامی در کشور عمان با مقامات این کشور وارد مذاکره شده و این جدای از ناکامی در تأسیس پایگاه نظامی است که ترکیه قصد داشت در زمان حاکمیت عمرالبشیر و در جزیره متروکه سوواکن کشور سوودان ایجاد کند اما سقوط عمرالبشیر مجالی به آن نداد. تمامی این موارد حکایت از این دارد که آنکارا برنامه‌های گسترده و بلندمدتی برای کل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دارد اما برای اجرای این برنامه چه انگیزه‌هایی دارد و محدودیت‌هایش چیست؟

■ **اسلام سیاسی و ملی‌گرای**

شکی نیست ایدئولوژی اسلام سیاسی در نگرش بنیانگذاران حزب حاکم عدالت و توسعه از جمله جیب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه مبنای اساسی رویکرد او و رهبری این حزب در چرخش از راهبرد تنش صفر به مداخله و حتی مداخله مستقیم نظامی بوده است. با این‌جود، نباید از دیگر مؤلفه‌های نظری، سیاسی و استراتژیک در این زمینه غافل بود که همسویا و حتی متضاد با ایدئولوژی اسلام‌سیاسی اردوغان دارند. این رویکرد هستند هر چند آشکارا انگیزه‌هایی متفاوت از سلی اول استاد علوم و استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه قدير هاس استانبول است. در مصاحبه‌ای با مرکز خاورمیانه‌ای اندیشکده کارنگی به جریان‌های فکری مختلفی اشاره می‌کند که در ترکیه یاد از جنگ سرد به دنبال گسترده‌ترین نگاه به منافع استراتژیک ترکیه بودند. شایسته‌ی، استراتژی حزب عدالت و توسعه این آن دست روایت‌های استراتژیک ملی‌گرایان و قطعاً ضدفرهنگی نخبگان غیرنظامی و نظامی در هم آمیخته شده که برخی از آنها وابسته به مکتب فکری اوساریایی هستند و از آن سیاست‌های حمایت می‌کنند. که در دنبال اعمال قدرت، پایگاه‌های نظامی، حقوق دریایی و فضای آبی‌زمینه مستقلی برای منافع ترکیه هستند. «او در این زمینه به‌نظریه مشهور «میهن آبی» اشاره می‌کند که اساساً یاد به همین دلیل نیز رهبر ترکیه و لیبی بر مبنای آن پیش می‌رود. در واقع، استراتژی میهن آبی برای نخستین بار نه از سوی حزب «عدالت و توسعه» و استراتژیست‌های آن بلکه توسط یکی از افسران عالی‌رتبه ملی‌گرا به نام در یاسالار، هم‌گوردینز مطرح شد و لیبی بر استراتژی‌ی در ۲۰۰۶ برای تعیین مدیرانه شرقی به عنوان خط مقدم دفاعی کشور تدوین و مطرح گرد اما در آن زمان با راهبرد «تنش صفر» حزب عدالت و توسعه در تعارض بود و به همین دلیل نیز رهبران این حزب از جمله مخالفان استراتژی گوردینز بودند. چرخش ترکیه

مؤلفه‌های تعیین‌کننده سیاست خارجی ترکیه چیست؟

چرخش از «تنش صفر» به بلندپروازی «میهن آبی»



در عرصه سیاست خارجی طی این یک دهه باعث شد تا استراتژی گوردینز نه تنها مورد توجه رهبران حزب واقع شود بلکه در عمل مبنای کار قرار گیرد و به نظر برخی، حمایت آنکارا از دولت وفاق ملی در لیبی و فرستادن سرمایه و تجهیزات نظامی به این کشور بدان معناست که آنکارا استراتژی میهن آبی را به کار گرفته است. به همین جهت است که گوردینز در مصاحبه‌ای با سایت خبری سکولار «واداتی وی» از اقدامات ترکیه در لیبی ستایش کرد و گفت: «این استراتژی روی کشمکش جغرافیایی سیاسی بر سر منافع دریایی تمرکز دارد… و جنبه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، فناوری، اجتماعی– فرهنگی و زیست‌محیطی را در برمی‌گیرد.»

■ **هبری جهان سنی‌مذهب**

تمجید افسر ملی‌گرای مثل گوردینز از اقدامات دولت آنکارا در مدیترانه و شمال آفریقا گویای دره‌متنیده شدن جریان‌های متفاوت و تا اندازه‌ای متعارض در سیاست خارجی این کشور است. به عبارت دیگر، این جریان‌ها همگی بر یک نقطه استراتژیک توجه دارند که سال‌های جنگ سرد دست و پای ترکیه را بر یک حضور منطقه‌ای آن بسته بود و خیزش عربی طی یک دهه گذشته این مجال را به این کشور داده است تا با گسترش نفوذ خود به نقش اساسی در عرصه بین‌الملل دست یابد. با این حال، نباید آمال «وعثمان‌گرایانه» حزب عدالت و توسعه را در این جریان فراموش کرد. روزنامه حامی دولت ینی شفی در گزارش ژانویه ۲۰۱۸ از حضور سربازان ترکیه در بیش از ۱۰ کشور از جمله عراق، لیبی، عراق، سوریه و قطر به خود می‌بالد و به سمرات اعلام کرد: «ترکیه به سسرزمین‌های عثمانی باز می‌گردد. هر چند رهبران عدالت و توسعه چندان تمایلی برای استفاده از اصطلاح «وعثمان‌گرای» ندارند و حتی در برخی مواقع انتساب آن را به خودشان تکذیب کرده‌اند اما هم هواداران آنها و هم مخالفانشان موضوع را از این قرار می‌بینند. ژنرال خلیفه حفر، رهبر نیروهای موسوم به ارتش ملی لیبی، در سخنان اخیرش گفته بود ترک‌ها ۳۰۰ سال در لیبی بودند و تلاش می‌کند.

مؤلفه‌های تعیین‌کننده سیاست خارجی ترکیه چیست؟



پاسخ هسته‌ای روسیه به حمله موشکی

■ **دکتر سیدرضا میرطاهر**

امریکا در دوره زمامداری دونالد ترامپ با خروج از توافقات و پیمان‌های کنترل تسلیحات، روند گسترش و افزایش توانمندی‌های موشکی و هسته‌ای خود را در پیش گرفته است. این مسئله نگرانی شدید روسیه به عنوان رقیب اصلی نظامی امریکا را برانگیخته است. در عین حال اقدامات اخیر دولت ترامپ در زمینه خروج از پیمان‌های تسلیحات هسته‌ای مانند پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد (آی ان اف)، اعلام خروج از پیمان آسمان‌های باز و نیز قصد واشنگتن برای تمدید نکردن پیمان استارت جدید در سال ۲۰۲۱ در راستای تحقق اهداف مدنظر در د کترین هسته‌ای جدید امریکا موسوم به «بازبینی وضعیت هسته‌ای (بی آر)» صورت گرفته است. این سند که در فوریه ۲۰۱۸ منتشر شد بر تقویت زادخانه هسته‌ای، ساخت تسلیحات اتمی جدید و در پیش گرفتن رویکردی نوین در باره حمله هسته‌ای و نیز اقدامات پیشدستانه هسته‌ای تأکید دارد. این مسئله واکنش روسیه را با ایجاد تغییرات اتمی جدید و در پیوستن و حتی در صورت وصول به توافق با آن در حوزه پیمان‌های کنترل تسلیحات، ترامپ می‌تواند به راحتی نقض عهد کرده و از اجرای تعهدات امریکا در این باره خودداری کند.

■ **تغییر دکترین هسته‌ای روسیه**

با توجه به تغییرات اساسی در دکترین هسته‌ای امریکا و افزایش قابل توجه تهدیدات هسته‌ای و موشکی علیه روسیه، مسکو به این مسئله واکنش شد نشان داده است. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در ۱۴ خرداد ۱۳۹۹ در دستوری، سیاست جدید روسیه در

عرصه بازاندزنگی هسته‌ای را تأیید و برای اجرا ابلاغ کرد. بر اساس فرمان اجرایی جدید، آستانه امکان استفاده از تسلیحات هسته‌ای توسط روسیه کاهش یافته است. پیش‌تر در چار چوب دکترین هسته‌ای روسیه، تنها در صورتی که روسیه با «تهدید حمله هسته‌ای» یا «حمله هسته‌ای» مواجه می‌شد می‌توانست از تسلیحات هسته‌ای استفاده کند، اما طبق فرمان جدید حتی در صورتی که روسیه با تسلیحات متعارف نیز مورد حمله قرار بگیرد یا تهدید علیه موجودیت این کشور رخ دهد، مسکو با بازاندزنگی هسته‌ای خود استفاده خواهد کرد. بر اساس دکترین جدید روسیه، هرگز کشور خود را از متحنان و دوستان این کشور نیز هدف حمله هسته‌ای قرار بگیرد، مسکو از تسلیحات هسته‌ای استفاده خواهد کرد. دکترین هسته‌ای روسیه پس از آن تغییر کرد که دولت ترامپ آستانه استفاده از تسلیحات هسته‌ای را پایین آورد و به حملات با تسلیحات متعارف کاهش داد. مسکو نسبت به رویکرد «نامحدود» واشنگتن در قبال مسئله استفاده از تسلیحات هسته‌ای ابراز نگرانی و اعلام کرده است تمامی تدابیر لازم را برای حصول اطمینان از امنیت خود با توجه به رویکردهای تعریف شده در دکترین هسته‌ای امریکا به کار می‌بندد. روسیه بارها تأکید کرده‌است که توان نظامی این کشور جنبه دفاعی دارد و هیچ‌گاه آغازگر حمله اتمی علیه کشوری دیگر نخواهد بود. بدین ترتیب تغییر دکترین هسته‌ای روسیه پیش از اینکه ناشی از جنگ‌طلبی مسکو با قصد آن برای توسعه تسلیحات هسته‌ای باشد، واکنشی به تغییرات در دکترین هسته‌ای امریکا به منظور ایجاد شرایط مساوی در باره احتمال کاربرد سلاح‌های هسته‌ای است. با توجه به اینکه واشنگتن در بازبینی استراتژی هسته‌ای امریکا موارد استفاده از تسلیحات اتمی را به نحو قابل توجهی افزایش داده، طبیعی است مسکو نیز همپایه با آن موارد جدیدی را در سنار یوهای کاربرد تسلیحات هسته‌ای از جانب خود بگنجاند.

■ **جنبه پندی**

شواهد نشان می‌دهد دولت ترامپ به رغم لفاظی‌ها درباره آمادگی برای انعقاد پیمان‌های موشکی و هسته‌ای جدید در زمینه محدودسازی موشک‌های کوتاه‌برد میان‌برد نیز تسلیحات هسته‌ای استراتژیک، قصد جدی در این زمینه ندارد. با فروپاشی پیمان «ای ان اف» اکنون واشنگتن در مسیر خطر ناک توسعه و استقرار انواع موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد دارای قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای قدم نهاده است. ضمن اینکه واشنگتن با مانع تراشی‌ها و مطرح کردن شروط غیر عملی نشان داده است قصد تمدید پیمان استارت جدید را ندارد. پایان این معاهده در فوریه ۲۰۲۱ موجب می‌شود تا امریکا بار دیگر توسعه تسلیحات هسته‌ای استراتژیک را بدون هیچ محدودیتی آغاز کند که با واکنش متقابل روسیه مواجه خواهد شد و این امر باعث افزایش بی‌ثباتی در عرصه بین‌المللی و گسترش مسایقه تسلیحات هسته‌ای بین قدرت‌های هسته‌ای جهان خواهد شد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد مواضع اخیر روسیه در زمینه پاسخ هسته‌ای به هر نوع حمله موشکی و نیز مقابله با افزایش تهدیدات موشکی امریکا در نقاط مختلف جهان در واقع واکنشی به تهدیدات روزافزون امریکا و نه اقدامی جنگ‌طلبانه یا تهاجمی است.

مندی است که ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا قصد دارد تعداد

سربازان امریکایی در آلمان را کاهش دهد، به گوندهای که از ۲۴هزار و ۵۰۰ سرباز امریکایی که در حال حاضر در خاک آلمان مستقر هستند، نزدیک به ۱۰هزار نفر را از این کشور فرخواند. قرار است حدود هخزار نفر از این نظامیان به کشورشان بازگردند و مابقی به کشورهای دیگر اروپای جمله لهستان، رومانی، بلژیک و ایتالیا منتقل شوند. همچنین فرماندهی عملیات ویژه ارتش امریکا و مرکز فرماندهی ارتش امریکا در اروپا از اشتوتگارت آلمان به بلژیک منتقل می‌شود. حال باید دید بردگان و بازندان این تصمیم کدام کشورها خواهند بود و چه دلایلی سبب‌ساز این خط مشی شده است؟ ابتدا به دلایل این تصمیم اشاره می‌شود:

۱. دلایل سیاسی:اعلام انصراف آنکارا مر کل صدراعظم آلمان برای حضور در نشست جی۷ به بهانه همه‌گیری کووید۱۹ که خوشایند ترامپ نبوده است از یکسو، افزایش هزینه‌های نظامی و سرانجام نزدیکی روسیه به این کشور از سوی دیگر عوامل مهم دخیل در این تصمیم بوده‌اند. در این راستا یورگن هارت سخنگوی سیاست خارجی جناح ائتلاف در بوندستاگ، این تصمیم را اقدامی با انگیزه سیاسی و جهت اعمال فشار به آلمان خوانده است.

۲. دلایل اقتصادی:احداث خط لوله گاز از روسیه به آلمان. خط لوله نورد استریم ۲ که ۲ طول ۱۲۰۰ کیلومتر و از زیر دری می‌گذرد، مدت‌هاست که محل مناقشه کشورهای اروپایی و امریکاست. فارغ از ارزش اقتصادی این طرح ینه ویژه برای آلمان کشورهای لهستان، دانمارک و اوکراین نیز دل خوشی از این طرح ندارد.
دین ایالات متحده نیز سعی کرده است تا بحریه نورد استریم ۲ روسیه و آلمان را تحت فشار بگذارد که تاکنون کارساز نشده است. به همین دلیل بود که ترامپ اعلام کرد آلمان سالانه میلیارد‌ها دلار برای

■ **محدودیت‌های موجود**

تلاش ترکیه برای احیای نفوذ دوران عثمانی بر خاورمیانه و شمال آفریقا بدون محدودیت نبوده به خصوص اینکه در مقایسه با کشورهای نفت‌خیز عربی برخوردار از چنان منابع عظیم ثروت نیست تا بتواند با آنکا به این منابع به هدف خود برسد. به عبارت دیگر، ترکیه نه منابع نفت و گاز عربستان سعودی و امارات متحده عربی را دارد و نه به واسطه این منابع چنان اهرم اقتصادی در دست دارد تا بتواند با آن متحنان فرامنطقه‌ای را به سوی خود جلب کند. بر خلاف ترکیه، عربستان و امارات با آنکا به این منابع حمایت بی‌دریغ خود را از مصر و ژنرال حفر داشته‌اند و علاوه بر این، اهرم نفتی به آنها کمک کرده است ترکیب جدیدی از فرانسه، روسیه و حتی امریکا را نیز به جمع خود اضافه‌کنند. از این جهت، هلموردی ترکیه با سه‌گانه عربستان، امارات و مصر بدون محدودیت‌هایی نیست و هر چند آنکارا به لحاظ نظامی به نسبت دست‌ترتر را داشته باشد اما معلوم نیست بتواند به لحاظ اقتصادی و تأمین هزینه‌های نظامی خود با این سه کشور هم‌ردی کند. بحران ناشی از شیوع ویروس کرونا، رانیز باید به این مجموعه اضافه کرد که بار اضافی بر اقتصاد وارد کرده و باعث شده است طبق گزارش ۲۷ جولای روزنامه نیویورک تایمز، فشارهای ناشی از کرونا شرایطی بسیار متفاوت با گذشته را برای اردوغان فراهم کند. اقتصاددانان نیز به دشمن پاسخ خواهد داد. ژنرال «اندری استرلین» رئیس اداره اصلی عملیات ستاد کل ارتش روسیه و «الکساندر خرابین» کارشناس مرکز پژوهش‌های نظامی اهربردی آکادمی نظامی ستاد کل ارتش روسیه در مقاله منتشر کی در روزنامه «کراسنایا زویوز» از ارگان وزارت دفاع روسیه با تصریح به این امر دلیل آن را این مسئله عنوان کردند که هر گونه حمله به روسیه به معنای تلاش برای اودی آن تلقی می‌شود. روزنامه رسمی وزارت دفاع روسیه نوشت: «هرگونه حمله موشکی، از نوع هسته‌ای در نظر گرفته خواهد شد، زیرالمانک تشخیصی این‌که موشک چه کلاهکی حمل می‌کند وجود ندارد و موجب پاسخ اتمی خواهد شد.» این وزارت تخته افرد: «به محض اینکه رادارها بر تاپ موشک بالستیک به سمت قلمرو روسیه را دریایی کنند، فرماندهی نظامی به‌طور خودکار مطلع شده و مقیاس استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را معین خواهد کرد.» در این مقاله تصریح شده که پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (ان بی تی) و پیمان منع جامعی از اقتصاد مناطقی را که این نظامیان حضور داشته‌اند دچار رکود خواهد نباید از نظر دور داشت که چنین تصمیمی سایر متحنان اروپایی ترامپ در ناتو را دلسرد خواهد کرد و همکاری میان آنها را نیز متزلزل می‌کند.

ایالات متحده: تا زمانی‌که نهادها و سازمان‌های بین‌المللی برای دولت ایالات متحده سوردسان باشند، این کشور ضمن عدم خروج از آنها سعی در حمایت و پایدار ماندن موجودیت این سازمان‌ها و نهادها خواهد داشت. در غیر این صورت امریکا با یا از خارج شده یا سعی در انحلال و تغییرات زیربنایی در آن نهاد داشته است. در این زمینه امریکا تلاش دارد به عنوان برادر بزرگ در ناتو، آنگونه که منافعش ایجاب می‌کند اقدام کند، حتی به بهای سبلی‌زند به متحنان نزدیکش. در ضمن این اقدام تمبیهی علیه آلمان با توجه به حرکت تبلیغاتی–انتخابی ترامپ نیز مهم است. در مجموع، فشار بر آلمان و سرانجام تضعیف ناتو در آینده نزدیک

به دلیل بعدعدهی امریکا در پایبندی به امنیت جمعی، آسیب‌های فراوانی بر ایالات متحده وارد خواهد کرد. روسیه: بسیاری کاهش و خروج نظامیان ایالات متحده از آلمان را هدیه به ترامپ به پوتین تلقی می‌کنند. هیدر کانلی، مدیر برنامه اروپا در مرکز مطالعات بین‌المللی راهبردی این تصمیم را یکی از هدایای ریاست جمهوری امریکا به روسیه می‌داند. بی‌شک روسیه از تضعیف و دلسردی اعضای ناتو استقبال می‌کند، اما از سوی دیگر باید دید به چه میزان نگران افزایش نیروهای نظامی امریکا در لهیستان خواهد بود. همچنین این تصمیم سبب‌ساز نزدیکی بیشتر میان روسیه و آلمان به ویژه در ابعاد اقتصادی خواهد شد. کاهش هزینه انرژی مصرفی آلمان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی به دنبال احداث نورد استریم ۲ و در نتیجه تأثیر مثبت بر جهش اقتصادی این کشورها حائز اهمیت خواهد بود.



هدیه به رقبا با سیلی به برلین

دراو توصیف کرده است.

با دانستن موارد فوق می‌توان تبعات این تصمیم بر دولت‌های آلمان، ایالات متحده و روسیه را پیش‌بینی کرد: آلمان: با پایان جنگ دوم جهانی و تقسیم غنایم میان دو طرف در برابر شوروی توسط ایالات متحده برگرزیده شد. بر این اساس نقشه استراتژیک امریکا در اروپای بعداز جنگ با مرکزیت آلمان طرح‌ریزی شد. به این ترتیب دفتر مرکزی ارتش امریکا در اروپا یا همان پاک، در آلمان احداث و به مرور پنج پای‌دگان نظامی در این کشور تأسیس شد. در قالب ناتو، ترامپ معتقد است ایالات متحده هزینه‌های کمتری باید بر دازد و این اروپایی‌ها هستند که وظیفه دادن پول برای دفاع از خود را دارند. مانند همان چیزی که در خداد حمله پهبادی انصارالله یمن به آرامکو در عربستان رخ داد. میرهن است در شرایط نامطلوب اقتصادی اروپا به دلیل بیماری کرونا،